

گفتگوی اختصاصی با داریوش چهره همیشه ماندنی موزیک

قدرت واقعی همیشه در دست اکثریت، یعنی همان توده‌هاست، قشر قدرت طلب همیشه در اقلیت اند و تا زمانی پابر جا هستند که ظلم پروری و تفرقه پابر جاست



• میدانم هر سال که میگذرد باتوجه به رویدادهای اخیر سرزمین مان و جنبش نسل جوان و فریاد اعتراض شأن تو بعنوان یک هنرمند مسول چون همیشه پیشتان مبارزات سیاسی اجتماعی و انسانی بودی. خیلی‌ها میخواهد بدانند در این برهه از زمان درباره ایران و نقش هنرمند راستین چون خودت چه فکر میکنی؟

داریوش: این سوال شما منو به یاد پیام بسیار زیبا و وصف الحال گاندی انداخت که میگه:

آمدند

تحقیر مان کردند

انکار مان کردند

حمله کردند

غارت کردند

شکنجه دادند

گشتند

اما در نهایت

ما پیروز شدیم

در یکی از پست های وبلاگ شخصی ام، تحت عنوان «با من از ایران بگو» که به مناسبت عید نوروز آماده کرده بودم نوشتم: در جهانی که خاموشی ها و فراموشی ها بر شانه های وحدت و همت سنگینی میکنند، در جهانی که مهربانی و عشق ورزیدن جای خود را به خواستن ها و داشتن ها داده است، در جهانی که بالا رفتن از نردبان احساس فراموشمان شده و به جای زندگی کردن فقط زنده ایم، در جهانی که به عرش رسیدن خود را در به فرش کشیدن دیگری می بینند، در جهانی که «تن» های تنها انزوا را بر همدلی و همدردی ترجیح میدهند، در جهانی که با افسار روزگار بر گردنمان خسته دلانی سرگردان شدیم، در جهانی که گمشده همیشگی مان اعتماد است، نه اعتقاد...

در جهانی که زخم ها قدیمی میشوند و دردها کهنه...

دلم می خواهد با جهانیان

در صلح زندگی کنیم

اگر ظلم پروری و دیکتاتوری بگذارد،

دلم می خواهد خودمان را ورق بزیم و درک

متقابل را نهادینه کنیم

اگر خودخواهی و خود محوری بگذارد

دلم می خواهد همزبانی و مرمم گذاری عادت میشد،

اگر غم نان بگذارد

دلم می خواهد زندان ها

عاری از آینده سازان میشد

اگر نقض حقوق بشر بگذارد،

دلم می خواهد دنیا

غوطه ور در چنگال آسیب ها نمیبود

اگر نا آگاهی و انکار بگذارد

دلم می خواهد در قرن بیست و یکم

کودکی از جنگ و گرسنگی نمیمرد

اگر هزینه های هسته ای

و نظامی قدرت طلبان بگذارد

دلم می خواهد رویش ناگزیر جوانه ها

جاودانه میشد

اگر بی رحمی و مرگ انسانیت بگذارد

دلم می خواهد رفاقت ها

حقیقی و عشق ها بلاعوض میشد

اگر دوستی های مجازی

و محبت های قراردادی بگذارد

دلم می خواهد هر سال فرصتی بود برای خانه

تکانی ذهن

اگر نغص و همه چیز دانی بگذارد

دلم می خواهد از من به ما برسیم

اگر بیماری فرهنگی ما بگذارد

دلم می خواهد قدرت عشق همیشه حکمفرما

بود

اگر عشق قدرت بگذارد...

امروزه همه جا صحبت از این هست که بگردیم به دنبال فرصتی برای فراموش کردن و غرق شدن در بی تفاوتی، من به دنبال فرصتی برای تأمل، برای بیداری و فرصتی برای پوست انداختن هستم. خیزش های جهانی علیه بی عدالتی، فقر و استبداد با زبان هنر تأثیر غیر قابل انکاری داشته و ما میتوانیم با هنر هدفمند بعنوان ابزاری عاشقانه برای بیداری و هشیاری و تقویت حس انساندوستی جامعه استفاده کنیم. نقاشی های خیابانی، شعر، نمایشنامه ها، مستند ها و خیلی از فعالیت های هنری دیگه، به طور مستقیم و غیر مستقیم میتونن جامعه را بیدار کنند. بقول ریچار ایر، یک کارگردان انگلیسی: «تغییر با ادراک آغاز می شود و ادراک با

تشخیص خود در فردی دیگر یا در یک کلمه؛ همدلی. هنر باعث می شود بتوانیم خود را در ذهن، چشم و قلب انسانی دیگر پیدا کنیم.»

متأسفانه تکنولوژی پیشرفته از خاکیان مردمانی منزوی در تلفن های همراه و تبعیدی در دنیایی مجازی ساخته. همیشه گفتن هنر دریچه هایی که به وسیله عقل و زبان بسته است رو باز می کند. در چنین دورانی ای کاش عملکرد نیمکره راست مغز، که به هنرمندی، همدلی، نوآوری و تفکر جمعی منجر میشه رو تقویت کنیم چرا که هنر هدفمند میتونه چشم بینا، گوش شنوا و طین مرهم گذار جامعه ای باشه که با دردها، زخم ها، بی ایمانی ها، بی خردی ها و بی عدالتی ها و میسوزه تا زندگی کنه و زندگی میکنه تا بسوزه.

• فکر نمیکنی اینک حساس ترین زمان در طی چهل سال اخیر برای ایفای نقش هنرمندان راستین در ارتباط با نسل جوان و آینده سازان ایران است و حضورشان در صحنه ها و رساندن پیامشان و اجرای ترانه

هنر هم مثل سیاست، اگر هدفمند باشد، همیشه ماندگار و تأثیر گذار خواهد بود



حقوق بشر و بسیاری پلیدی ها خبر میدن، ما در آینه از قدرت بی پایان عشق، خدمت، خرد، همبستگی، همزبانی، مرهم گذاری و همدلی میگیریم و مخاطبین مون رو به پیوستن به خیل تشنگان امید و آگاهی تسلیق میکنیم. ما در کنار متخصصین، دست اندرکاران، داوطلبان و همکارانمون در رسانه آموزشی آینه از معجزه تغییر و پوست انداختن. همیشه



گفتم: پلاس کهنه اندیشه رو دور باید انداخت... در آستانه بهار، سالی نو، دهه های نو، پیام ما امید و وعده ما آزادی از بند دیدگاه های سنتی غلط و روش های زنگار بسته، مخرب و ناکارآمده. همیشه در آینه گفتیم افکار تان را تغییر دهید تا دنیای تان تغییر کند. تغییر افکار یعنی خودشناسی، سفری صادقانه، بی ریا و بی رودربایستی به درون.

همیشه شاهد این بودن که همه با دردهای مشترک در کنار هم اما فرسنگ ها دور از یکدیگر دست و پا میزنیم متوجه زجر داده و به همین خاطر تلاش من همیشه این بوده که با آینه، فلسفه عاشقانه خدمت بی منت و هدفمند بودن رو بعنوان توشه ای کارساز برای مبارزه با آسیب ها در دست های هموطنانم قرار بدم.

برای پیروزی همه ما به یک ذهن باز و یک آغوش باز، فارغ از هر گونه تعصبات سیاسی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نیاز داریم. اگر از تغییر بترسیم، محکوم به شکست خواهیم بود. بیایم قبول کنیم که کلید تغییر، رهایی از ترسه. آینه وار میتونیم چشم انداز آینده خودمون، فرزندانمون و این جهان خاکی رو روشن تر کنیم، در آینه همیشه برای دردمندان چراحی روشن...

آیا فکر نمی کنید که تکرار دیگر بس است؟

تاریخ تکرار دیگر بس است؟

تکرار این تاریخ دیگر بس است؟

آیا فکر نمیکنید زمان ترمیم هست؟

زمان زمان از «من به» «ما» رسیدن هست؟

باید جهان را تازه دید

رفت و به فرادها رسید

برای یک آغاز نو

نباید انتظار کشید...

دیکتاتورهای ریز و درشت در سراسر دنیا به وضوح دیده میشه، اینجاست که زبان جهانی هنر، هنر درمانی و جامعه شناسی هنر، در کنار همبستگی و دلیرانه آزادی خواهی مردم میتونه مرهم گزارانه وارد میدان بشه. اینجاست که هنر میتونه باعث یکپارچگی احساسات جمعی بشه، این سفر قلندرانه برای من فقط یک آرزو نبود، یک هدف هم بوده. نیم نگاهی به مبارزه مردم در هنگ کنگ که ما به این حقیقت رو به وضوح نشون میده.

خدمت کردن من رو روز به روز مصمم تر کرده تا برای حفظ این رابطه از روزنه های مختلفی با هموطنانم اگر از تاریکی گفتم، اما نوید روشنائی رو هم منعکس کردم، اگر از سیاهی ها گفتم، سبیدی رو هم فراموش نکردم، اگر از دلخسستگی گفتم، قدرت امید و رویش دوباره جوانه

در این خواب بد بد، من و تو خوب خویم من و تو شرق و غریب، شمالیم و جنوبیم ترس از این سیاهی، تو شتابی مگه نه؟ ترس از مرگ دریا، خود آبی مگه نه؟

بیشتر از دیروز انسان ها رو از هم تفکیک میکنه... روزگاری رو تجربه میکنیم که درش اندیشه ها، عواطف و انسانیت زیر غبار فراموشی بایگانی میشن. به هر ور نگاه میکنی شاهد پرپر شدن مردمانی زخمدار هستیم، مردمانی که تفرقه از آنها «تن» هایی بسیار تنها ساخته. در چنین جهانی، من با آینه از دوباره جوانه زدن و رویش دوباره، نه فقط در میان بهبودیافتگان، بلکه از جوانه زدن محیط زیست صحبت میکنیم، از یک حرکت سمبلیک از جنس سبز مهربانی.

همیشه از بهبودی بعنوان یک تولد دوباره و دوباره جوانه زدن گفتیم، در دورانی که سرزمین ما با سیل ها و خشکسالی ها دست و پنجه نرم میکنه، در دورانی که به جای آواز پرندگان صدای آژیر آتش نشانی ها در میلیون ها هکتار جنگل نشسته در آتش استرالیا به گوش میرسه، در روزگاری که رسانه ها از جنگ، تفرقه، بی عدالتی، نقض

ها رو هم یادآور شدم. بیایم ترسیم از این سیاهی، چرا که هر یک از ما خود شتابیم، مگه نه؟ بیایم ترسیم از مرگ دریا، چرا که خود آبیم، مگه نه؟

• میدانیم که برای کنسرت ۲۲ فوریه تدارک دیده ای ولی براستی در این شب مردمی چه خواهی گفت، چه خواهی خواند؟ در این شب نقش بنیاد زندگی ساز آینه چه خواهد بود؟

– برای شب کنسرت چند پروژه ویژه در دست تهیه دارم که امید دارم انگیزه های خاموش رو بیدار خواهد کرد.

این بار دارم تدارکی میبینم که از هموطنانم دعوت کنم که در رسیدن به جامعه ای سالم حضور پر رنگ و عاشقانه ای داشته باشن که برای این پروژه تدارک ویژه ای دیدم.

دنیای این روزای ما شاهد دیدگاه های تاریکی شده که ریشه در تبعیض، بی عدالتی، یأس و خشم داره و هر روز

**آمدند...
تحقیر مان کردند
انکار مان کردند
حمله کردند
غارت کردند
شکنجه دادند
کشتند
اما در نهایت
ما پیروز شدیم...**

های میهنی از هزاران شعار و اعلامیه موثر تر است؟

– هنر هم مثل سیاست اگر هدفمند باشه همیشه ماندگار و تأثیر گذار خواهد بود. امروز در خلأ حقیقت، در خلأ انسانیت، در سیلاب آسیب های ریز و درشت نمادی از اعتماد و همدلی بودن یک نیاز حیاطی است. سالهاست شاهد این بودم که قشر وسیعی از جامعه ما امروز متأسفانه با آرزوی مرگ و مرگ آرزوها سرس میکنه و اینجاست که وظیفه همه کسانی که یک قلم، یک میکرفن، یک دوربین، یک رسانه، و یا یک روزنه در دست دارند خیلی مهم تر از گذشته است. صمیمیت و صداقت در رابطه عاطفی که با هموطنانم دارم هم ریشه در این حقیقت داره که من شریک دردها و زخم هاشون هستم.

برخلاف آنچه به ما گفته شده، ما قدرت هستیم. اکثریت با ماست، چرا که ما توده ها رو تشکیل میدیم و قدرت واقعی همیشه در دست توده هاست، اون قشری آسیب پذیرند که قدرت طلبند، چون همیشه در اقلیت بوده اند و تا زمانی پابرجا هستند که ظلم پروری و تفرقه پا برجاست.

امروز شاهد از هم گسستگی بسیاری از جوامع جهانی هستیم، تشدید تفرقه متأسفانه در صدر اهداف خودمحوران و